

سازمانهای غیردولتی و تسهیل توسعه موزون

محمدباقر کمالی

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی
bagherk@yahoo.com



- The Earthscan Reader on NGO Management
- Michael Edwards and Alan Fowler
- London: Earthscan Publication
- 2002

آنها باید همیشه در حال یادگیری و تکامل باشند. باید منعطف و هماهنگ با زمان و شرایط پیرامون باشند. باید بتوانند تئوری و عمل را تلفیق و در یک پروسه یادگیری مداوم قرار گیرند. چنین سازمانهایی باید تغییر، دموکراسی و مشارکت را از خود و پرسنل خود شروع کنند. باید خود اتکالی و استقلال بیشتری داشته باشند و کمتر وابسته به ساختارهای رسمی برای حمایت مالی باشند. در یک کلمه باید از مردم برای مردم و با مردم باشند. همچنین مدیریت این گونه سازمانها باید ابتدا آموزش را از پرسنل خود شروع کنند و اگر بناسد ساختارهای رسمی را نقد و بررسی کنند، بهتر است اول زمینه نقد و تغییر را از سازمان و پرسنل خود شروع کنند. کارکنان چنین سازمانهایی باید احساس مالکیت و کنترل بر سازمان خود داشته باشند. باید پرسنل چنین سازمانهایی خود را شریک در اهداف و فعالیتهای سازمان بدانند، در یک جمله آنها باید فرهنگ سازی را از خود و سازمان خود شروع کنند.

علی رغم همه این مباحثه باید بپذیریم که ما هنوز در ابتدای کار هستیم و با وجود تلاش و گسترش سازمانهای غیردولتی هنوز سهم و تأثیر آنها در توسعه، خصوصاً نقش این گونه سازمانها در تغییر ساختارهای حاکم بر فقر و بی عدالتی از سطح محلی تا فراملی، محدود است. چالش اساسی فرا روی سازمانهای غیردولتی در آینده ایجاد تعادل بین فعالیتهای میدانی و تأثیرگذاری بر سیاستهای کلان ملی و فراملی است. آنها باید علاوه بر تقویت صداقت، روحیه داوطلبانه و عشق به خدمت، قدرت تحلیل و راه کارهای تأثیرگذاری بر برنامه های کلان توسعه را مدنظر قرار دهند. باید توجه کرد که برخورد با فقر و وابستگی بدون بررسی ساختارهای توزیع قدرت و منابع، مواجه شدن با معلولهاست تا ریشه ها. باید توجه کرد که به نام توسعه، وابستگی بیشتر مردم را تقویت نکنیم. توسعه باید به مثابه جریان توانمندسازی، ظرفیت سازی و تغییر درونی توسط مردم مدنظر قرار گیرد. سازمانی موفق است که به جای «توسعه دادن»، پروسه تسهیل گری را دنبال کند.

موضوع دیگری که در کتاب بحث شده، تغییر نگرش دولت ها نسبت به سازمانهای غیردولتی است. دولت ها باید عینک بدبینی نسبت به سازمانهای غیردولتی

«مدیریت سازمان غیردولتی (NGO)» کتابی است با یک مقدمه، ده فصل و سی مقاله، که به موانع و چالش های مدیریت این قبیل سازمانها می پردازد.

NGOها اگرچه در ایران پدیده جدیدی محسوب می شوند اما نقش بسیار مهمی در مباحث توسعه روستایی دارند. گردآوردگان این مجموعه در مقدمه تفکر برانگیز خود زیر عنوان «چالشهای متغیر برای مدیریت سازمان توسعه غیردولتی» به این نکته اشاره دارند که طی ده سال گذشته سازمانهای غیردولتی به نیروی مهمی برای تغییر در ساختارهای اقتصادی و سیاسی جهان بدل گشته و مسئولیت وسیعی در ارتباط با دولت، سازمانهای دیگر، بازار، جوامع محلی و شهروندان پذیرفته اند. مجموعه مقالات کتاب که توسط افراد متخصص در توسعه روستایی نوشته شده در ده فصل به ترتیب زیر تدوین یافته است: نقشها، ارزشها و بینشها: استراتژی و حمایت؛ توسعه سازمان؛ مدیریت توسعه، تغییر و ساختار؛ تقویت اداره و جوابگویی؛ مشارکت، توانمندی، همکاری و ظرفیت سازی؛ سنجش موفقیت؛ رهیافتها و روشها؛ سازمان همیشه در حال یادگیری؛ بسیج منابع و پایداری سازمان؛ برخورد با جنسیت؛ منابع انسانی؛ مدیریت، توسعه و رهبریت آن.

با شرایط کنونی که جهان در حال خصوصی سازی و به تبع آن ایجاد شرایط ویژه برای کنترل منابع توسط اقلیت است، نقش سازمانهای غیردولتی در تعدیل ساختارهای قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تسهیل توسعه متوازن و مردم محوری بسیار ضروری و حیاتی به نظر می آید. در چنین شرایطی برای کاهش روحیه مادی و فردگرایی و تقویت تعاون و همکاری می توان انتظار داشت که سازمانهای غیردولتی نقشی مهم در تغییر ساختارها، باورها و ارزشها ایفا کنند. اما به تازگی افرادی چنین مطرح می کنند که تغییر توسط کدام سازمان غیردولتی و کدام سازمان می تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ آیا می توان چنین نقشی را از سازمانهای غیردولتی «دولتی» (GNGO) که خودشان وابسته به منبع رسمی اند انتظار داشت؟ بعضی هم چنین بحث می کنند که ما مخالف سازمانهای غیردولتی نیستیم، ولی برای اینکه این گونه سازمانها بتوانند نقش اساسی خود را ایفا کنند، باید دارای خصوصیات ویژه ای باشند.

توسعه باید به مثابه جریان توانمندسازی، ظرفیت سازی و تغییر درونی توسط مردم مدنظر قرار گیرد

سازمانهای غیر دولتی باید آموزش، تغییر و فرهنگ سازی را ابتدا از سازمان خود شروع کنند

را بردارند و برعکس آنها را شریک و تسهیل گر توسعه در نظر بگیرند؛ آنها باید نقش اساسی سازمانهای غیردولتی را در تسهیل توازن دولت، بازار و جامعه مدنی، به رسمیت بشناسند. می توان به جرأت بیان کرد که لازمه چنین تغییر نگرشی نسبت به سازمانهای غیردولتی، آموزش مجدد مدیران و کارگزاران دولتی است تا هر چه بیشتر با نقش اساسی سازمانهای غیردولتی آشنا شوند.

باید پذیرفت که برای نیل به چنین توسعه ملی و جهانی، تحت عنوان صلح جهانی تنها یک استراتژی وجود ندارد. ولی این مطلب را می توان اذعان نمود که نقش سازمانهای غیردولتی در تسهیل رسیدن به این هدف مهم است.

در کل، موضوعات این کتاب فراتر از مدیریت سازمان غیردولتی است. مفاهیم و موضوعاتی که نویسندگان ارائه نموده اند شرایط و عوامل کلان مؤثر بر مدیریت سازمانهای غیردولتی را هم در بردارد. لذا این کتاب صرفاً مختص کسانی که در زمینه سازمانهای غیردولتی کار می کنند، نیست. بلکه برای تمام کسانی که در جستجوی صلح، عدالت اجتماعی و تفکر جمعی اند، می تواند مفید باشد. همچنین این کتاب برای تسهیل توسعه مردم محوری و تغییر ساختارهای غالب بر محرومیت توصیه می گردد. نیز در این کتاب مطالبی پیرامون توسعه و تعدیل ساختارهای قدرت آمده است. به این مفهوم که با تشکیل سازمانهای مردمی و غیردولتی ما شاهد یک توسعه موزون، پایدار و همه جانبه خواهیم بود.



- امنیت غذایی و توسعه کشاورزی (مجموعه مقالات)

- ترجمه محمد سعید نوری نائینی

- وزارت کشاورزی

- ۱۳۷۸، ۱۴۲ صفحه ۲۲۰۰ نسخه، ۶۰۰ تومان

نظر به اهمیت فراوان امنیت غذایی، سازمان بین المجالس تصمیم گرفت با دعوت از نمایندگان پارلمان کشورهای دنیا، اجلاسی با عنوان «امنیت غذایی در جهان» ترتیب دهد و به حل مشکل عدم امنیت غذایی در جهان کمک کند. دو سال پس از اولین همایش در سال ۱۹۹۸، گردهمایی دیگری متشکل از نمایندگان مجالس کشورهای شرکت کننده اولیه تشکیل شد. در این اجلاس علاوه بر نمایندگان شرکت کننده از تعدادی از صاحب نظران کشاورزی و غذا دعوت شد تا به بحث و تبادل نظر در مورد این موضوع بپردازند. این کتاب از مجموعه مقالاتی تشکیل شده که در این نشست ارائه گردیده است و با بررسی وضع موجود و تصویری از آینده به دنبال راه حل‌هایی برای کاهش فقر و گرسنگی است. برای آشنایی بیشتر به معرفی مختصر هر یک از مقالات می پردازیم:

مقاله «ریشه کنی فقر و ایجاد شبکه‌های امنیت غذایی و کمکهای غذایی» که دیوکل ماریا ساوئری ریانکو (Ducle maria sauri riancho) آن را ارائه کرده است، افزایش تعداد گرسنگان را ناشی از رابطه بین مصرف بیش از حد کشورهای توسعه یافته و سوء تغذیه در کشورهای توسعه نیافته و نیز عواملی همچون درگیریها و مناقشات سیاسی و اجتماعی، تحولات بازار و تجارت دانسته و راههای دسترسی به غذا را توزیع اعتبارات، اشتغال زایی و سیاستهای فقرزدایی معرفی می کند.

مقاله «تولید غذای کافی و حفظ منابع پایه» از مون کمبوس سومیناتان (Mon komobus sawminathan) علت گسترش فقر و گرسنگی را ناشی از کشاورزی بهره‌کشی می داند و برای جلوگیری از ادامه این روند نظامهای یکپارچه کشاورزی فشرده را پیشنهاد می کند که مبتنی بر حفظ بهداشت خاک مدیریت و برداشت آب مدیریت محصول و مبارزه با آفات، انرژی، مدیریت پس از برداشت انتخاب مناسب نوع محصول و دام و تقویت اطلاعات است.

در مقاله «مشارکت کامل کشاورزان در انتخاب و اشاعه نوآوری» که باربارا هادستون (Barbara Haddleston) آن را نگاشته است به روش آموزش مشارکتی مدیریت تلفیقی آفات و جایگاه آن در آسیا پرداخته است. سپس نهضت‌های ترویجی یا برنامه ترویجی را که دارای برنامه ریزی استراتژیک با هدف حل مسائل خاص و جلب مشارکت مردمی در دوره نسبتاً کوتاهی است، به عنوان روش جدید به منظور جایگزین کردن آن با برنامه‌های ترویجی موجود پیشنهاد می کند و در نهایت پس از بررسی اجمالی تجربیات کشورهای دیگر به نتایج حاصل از آن می پردازد.

در مقاله «چگونه به امنیت غذایی دست یابیم» ژوستین یفولین (Justin Yifulin) روند توسعه کشاورزی در کشور چین را بررسی می کند و آن را به دو دوره مهم تفکیک می کند. دوران کمونیستی یا نظام مبتنی بر بهره‌برداری جمعی که مربوط به سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ است و دوران اصلاحات یا نظام مبتنی بر خانوار که مربوط به بعد از سال ۱۹۷۹ است.

خانم بونگیو جوبه بولی (Bongiwe njobe mbuli) در مقاله «تولید غذای کافی و حفظ منابع پایه» با بررسی مفهوم امنیت غذایی به ابعاد آن می پردازد. سپس پیشنهاد می کند که روشهای جدیدی در زمینه حفظ منابع (آب و خاک)، توسعه فناوری و تحقیقات به کار گرفته شود. این عوامل در کنار دسترسی به بازار در سطح محلی و جهانی را به عنوان عوامل اصلی برای امکان گذر از سیستمهای سنتی به سیستمهای تجاری سودآور می داند.

مارسل مازویر (Mazel Mazoyer) در مقاله «ریشه کنی فقر، ایجاد شبکه‌های امنیت و کمک غذایی» معتقد است که با ارتقاء بهره‌وری و افزایش قیمت محصولات کشاورزی، بهبود توان کشاورزی سنتی، جلوگیری از تشدید ناتوانی، کمبود مصرف و سوء تغذیه می توان به ریشه کنی فقر امیدوار بود.

گیل جانسون (Gale Johnson) در مقاله «چگونه به امنیت غذایی دست یابیم» نگاهی خوش بینانه به آینده دارد. چرا که عملکرد موفق تر کشاورزان در کشورهای پرجمعیت جهان نظیر چین، هند و اندونزی به افزایش تولید سرانه منجر شده و همچنین روند فزاینده تولیدات کشاورزی کشورهای در حال توسعه پس از انقلاب زیستی و شیمیایی موجب شده تا طی سه دهه ۱۹۶۰-۹۰ اختلاف عملکرد آنها با کشورهای پیشرفته به ۳۰ درصد کاهش یابد.

علی خزاعی